

# پایداری داعش و جهانی شدن داعشیسم

دکتر مهدی میرزاده کوهساهی\*

## اشاره:

تحرکات داعش در خارج از مرزهای سوریه و عراق در آبان‌ماه ترديدها درباره جهانی‌بودن خطر تروریسم و «داعشیسم» را به یقین تبدیل کرد. پس از آنکه داعش در مصر، لبنان، افغانستان و فرانسه موجب کشته‌شدن بیش از ۴۲۰ تن شد، به نظر می‌رسد تلاش‌ها برای نابودی این گروه و به پیوست آن حل بحران سوریه با جدیت بیشتری دنبال شود. نوشتار حاضر با مروری بر تحرکات داعش در آبان‌ماه، دلایل پایداری، گسترش قلمرو و گستره حوزه عملیاتی این گروه را مورد بررسی قرار داده است.

## مقدمه

نکند. در شرق و غرب نیز از سوی دولت‌های سوریه و عراق و هم‌پیمانان آنها یعنی ایران و روسیه تحت فشار بود. این در حالی است که هر از چند گاهی ائتلاف بین‌المللی ضد داعش برخی مواضع این گروه را مورد حمله قرار می‌دهد.

حمله کشورهای خارجی داعش را در تنگنا قرار داد و این گروه نیز اعلام می‌کرد اقدامات حمله‌کنندگان با اقدامات تلافی‌جویانه پاسخ داده خواهد شد اما بسیاری از کشورها به ویژه قدرت‌های بزرگ و دولت‌های غربی هشدارهای تلافی‌جویانه داعش را اقداماتی تبلیغاتی می‌پنداشتند، امری که داعش ماهرانه از آن استفاده می‌کند. با این حال، تحولات ماه اخیر و رصد اقدامات داعش نشان داد این گروه بر اثر فشارهای و حملات خارجی نه تنها رو به زوال نیست، بلکه همچنان از قابلیت ضربه‌زدن به دشمنان خود برخوردار است.

## اقدامات و تحرکات داعش

اگرچه حملات خارجی و تلاش‌های دولت سوریه، گروه‌های مقاومت مردمی و کردها سبب شد داعش شکست‌هایی را متحمل شود و از شهر سنجار عقب‌نشینی کند، اما در کنار تصرفات جدید در سوریه و نفوذ در ولایات شرقی افغانستان، تثبیت موقعیت داعش در لیبی و استمرار حاکمیت این گروه بر «درنه» و شهر نفت‌خیز «سرت» نشان می‌دهد داعش همچنان در صدد است قلمرو خود را گسترش دهد، اگرچه

پیش از این، در شماره ۲۹ این‌ماه‌نگار در شهریورماه ۱۳۹۳ بیان شد که داعش به رغم قبض و بسط‌هایی که در قلمرو جغرافیایی این گروه تروریستی رخ داده، همان‌گونه که از شعار این گروه یعنی «بَاقِيَةٌ وَتَتَمَدَّدُ» برمی‌آید پابرجا و در حال گسترش است. پس از تحرکات و تلاش‌های بین‌المللی اگرچه رشد قلمرو جغرافیایی داعش تا حدی کند و محدود شده، اما داعش همچنان بر گستره قابل توجهی از خاورمیانه حکم‌رانی کرده و به تثبیت حاکمیت و تعمیق ارزش‌های مورد نظر خود در جوامع تحت سلطه‌اش مبادرت می‌ورزد. این گروه پس از درک دشواری و مخاطرات احتمالی فراروی خود، ترجیح داد همانند گذشته استراتژی توسعه سرزمینی خود را هوشمندانه به پیش ببرد. از این رو برای جلوگیری از همراهی کشورهای عربی با ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و در جهت فروکاستن انسجام این ائتلاف ترجیح داد به سمت جنوب و کشورهای عربی پیش‌روی

این گسترش در خارج از عراق و سوریه باشد. این در حالی است که تحرکات تروریستی داعش در خارج از هارتلند این گروه نیز افزایش یافته است.

در نهم آبان ماه، یک هواپیمای مسافربری روسی در حالی که با ۲۲۴ سرنشین از شرم‌الشیخ عازم سن پترزبورگ بود، در صحرای سینا منفجر شد و همه سرنشینان آن جان باختند. داعش مسئولیت سرنگونی این هواپیما را بر عهده گرفت و بررسی‌های کارشناسان نیز نشان داد بر خلاف تصوره‌های اولیه هواپیما به علت بمب گذاری در آن، در هوا منفجر شده است. در همین روز افراد وابسته به داعش راکتی را به سوی مسجدی در ننگرهار در شرق افغانستان پرتاب کردند که در نتیجه آن ۶ تن جان باختند.

در ۱۰ آبان ماه به رغم حملات هوایی روس‌ها، تحرکات نظامی غربی‌ها و تلاش‌های ارتش سوریه داعش موفق شد بر شهر راهبردی «مهین» در جنوب غربی استان حمص سیطره یابد. در ۱۳ آبان ماه در شهر «العریش» در صحرای سینا، عناصر وابسته به داعش، باشگاه پلیس را مورد حمله قرار دادند که در اثر آن سه مأمور پلیس جان باختند. چند روز بعد عناصر وابسته به این گروه در غرب افغانستان در ولایت زابل ۷ تن از ۲۴ گروگانی که گرفته بودند را سر بریدند، اقدامی که خیر آن در ۱۷ آبان اعلام شد. در ۲۱ آبان ماه در دو انفجار انتحاری در در محله «برج البراجنه» یکی از بخش‌های منطقه شیعه‌نشین «ضاحیه» در جنوب بیروت بیش از ۴۰ نفر جان باختند. داعش مسئولیت این حمله را نیز بر عهده گرفت. در حالی که همه نگاه‌ها متوجه بیروت بود، حملات زنجیره‌ای و غافل‌گیرانه داعش به پاریس که جان بیش از ۱۵۰ تن را گرفت نشان داد که این گروه از قابلیت بالایی برای انجام حملات تروریستی و ایجاد ناامنی برخوردار است. قابلیتی که اعضای داعش با اشاره با آن غرب و آمریکا را نیز تهدید کرده و اعلام کرده‌اند بعد از پاریس نوبت سایر شهرهای اروپا و واشنگتن است. این تهدیدات وحشت عمومی را به ویژه در مکان‌های عمومی و ورزش گاه‌ها در پی داشته است.

### دفع عوامل مزاحم و تثبیت دولت اسلامی

رصد رسانه‌های داعش و دستگاه تبلیغاتی این گروه نشان می‌دهد این گروه در ماه‌های اخیر بر خلاف گذشته که در صدد بود از طریق راهبرد ایجاد وحشت در بین شهروندان مناطق مختلف، قلمرو خود را گسترش دهد، رویکردی نرم‌تر را در پیش گرفته

است که در آن به موازات تهدید دشمنان خود به ویژه غربی‌ها و روس‌ها تصویری آرام از زندگی در قلمرو خود ارائه می‌دهد. داعش دریافته که تلاش برای افزایش قلمرو سبب شکل‌گیری ائتلافی جهانی علیه این گروه خواهد شد که بر خلاف ائتلاف فعلی که ماهیتی اسمی دارد، کارکرد موفقی خواهد داشت و این گروه را از بین خواهد برد. همچنین، پافشاری بر ادامه خشونت و سخت‌گیری بیش از اندازه بر شهروندان سبب خواهد شد در صورت وقوع حملات خارجی شهروندان مناطق تحت تصرف داعش نیز به حمله‌کنندگان پیوندند.

علاوه بر این، سخت‌گیری‌های بیشتر نسبت به ورود عناصر خارجی به سوریه و کنترل بیشتر مرزهای ترکیه و لبنان، داعش را با کمبود نیروی انسانی مواجه کرده است. بر خلاف گذشته که پیوستن اعضای جدید از اروپا، شمال آفریقا و آسیای مرکزی و قفقاز جریانی پایدار بود، امروزه شمار افراد ملحق‌شده خارجی به داعش روز به روز کمتر شده است. از همین رو، داعش با آگاهی از کمبود نیروی انسانی تازه‌نفس از یک سو در صدد استفاده از قابلیت‌های انسانی موجود در قلمرو خود است و از سوی دیگر، تلاش می‌کند دولت خود را تثبیت و حاکمیت بر هارتلند خود را تعمیق کند، به گونه‌ای که می‌توان گفت راهبرد کلان فعلی داعش «دفع عوامل مزاحم و تثبیت دولت اسلامی» است. راهبرد عملیاتی داعش برای دستیابی به این مهم نیز ارائه تصویری جذاب و توأم با آرامش و امنیت از زندگی در قلمرو خلافت اسلامی در سایه آموزه‌ها و قوانین



اسلامی است.<sup>۱</sup>

آمریکایی‌ها از جمله این عناصر مزاحم به شمار می‌روند، هر چند ایران نیز در میان این بازیگران است.

### تکثر دشمنان، افزایش حملات و پایداری داعش

هم‌اکنون داعش از سوی گروه‌های رقیب و قدرت‌های خارجی در عراق مورد حمله قرار گرفته، هر چند میزان و دامنه این حملات متفاوت است. ارتش عراق، گروه‌های مقاومت محلی و مردمی، کردها، ارتش سوریه، گروه‌های سلفی و شبه‌نظامیان سکولار وابسته به غرب، ایالات متحده، کشورهای اروپایی و روسیه همگی داعیه حمله و مبارزه علیه داعش را دارند. با این حال در عرصه جغرافیایی تغییر قابل ملاحظه‌ای در قلمرو داعش رخ نداده است، ضمن اینکه تحرکات این گروه در خارج از مرزهای عراق و سوریه ادامه داشته و حتی شدت یافته است. حال این پرسش مطرح است که چرا به رغم تعدد دشمنان، داعش همچنان بازیگری قدرتمند، مخوف و مخل امنیت کشورهای مختلف است. دلایل و عوامل مختلفی برای پایداری داعش وجود دارد که ریشه در اختلافات قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، مسائل داخلی کشورها، ویژگی‌های منحصر به فرد داعش و وضعیت اسلام سیاسی در خاورمیانه دارد. در ادامه برخی از این موضوعات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### مذهب، فتوا و تکفیر

داعش گروهی است با اندیشه‌های تکفیری که ریشه در برداشت‌های ناروا و نادرست از دین و مذهب دارد. کاهش و افزایش شمار باورمندان به اندیشه‌های تکفیری و شکل‌گیری چنین گروه‌هایی علاوه بر برداشت‌های نادرست، ریشه در متغیرهای سیاسی و اجتماعی دیگری دارد که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دچار دگرگونی می‌شوند. از این منظر می‌توان گفت فارغ از وجود سازمان و موجودیتی تروریستی و هراس‌پرور مانند داعش، جهان در سطح کلان‌تر و در جغرافیای وسیع‌تری با پدیده‌ای فکری به نام «داعش‌سیم» مواجه است که وجهی رادیکال از اندیشه‌های سلفی است. این پدیده که نمونه ملایم و نهادینه‌شده آن را می‌توان در عربستان و در قالب وهابیت مشاهده کرد، به دلیل تغییر در برخی متغیرهای تسهیل‌کننده مانند فروپاشی دولت‌های منطقه، شکست اسلام سیاسی پس از بهار عربی، عدم جذب شهروندان مسلمان و ناموفق بودن انتگراسیون در کشورهای اروپایی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در دهه گذشته

در همین زمینه، بنیاد «کولیم» در پژوهشی ۱۱۴۶ ویدیوی تبلیغاتی از ویدیوهایی را که از سوی داعش در ماه‌های اخیر در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، مورد بررسی قرار داده است. نتیجه این بررسی نشان داده است پس از حمله جنگنده‌های روسی به مواضع داعش تنها ۲ درصد از ویدیوهای منتشرشده این گروه حاوی صحنه‌های غیر انسانی مانند خشونت، گردن‌زنی و قتل هستند و ۹۸ درصد دیگر زندگی خانوادگی عناصر داعش را به تصویر می‌کشند. در این میان، نیمی از این ویدیوهای تبلیغاتی یک جامعه آرمانی اسلامی البته مبتنی بر آموزه‌های فرقه وهابیت را به تصویر می‌کشند. از همین رو، پژوهش‌گران بنیاد کولیم اعتقاد دارند راهبرد تبلیغاتی داعش که در گذشته بر خشونت استوار بود، تغییر کرده و اینک امنیت در کانون خانواده، ایمان به خدا و اعتقادات تکفیری- جهادی در مرکز توجه دستگاه تبلیغاتی این گروه قرار گرفته است. با این حال، این تنها سیاست داعش نیست. داعش برای تثبیت حکومت خود در مرکز، از قابلیت‌ها و توانایی‌های خود در پیرامون استفاده می‌کند، بدین گونه که داعش راهبرد تهدید و تلافی را برای دفع عوامل مزاحم به پیش می‌برد. از نظر داعش، عوامل مزاحم بازیگرانی هستند که در فقدان اجماع عملی جهانی برای مقابله با این گروه، بر ادامه مواجهه و حمله نظامی به داعش پافشاری می‌کنند. روس‌ها، فرانسوی‌ها و

۱. داعش برداشتی منحرفانه از قوانین، آموزه‌ها و اهداف عالی و غایی دین مبین اسلام دارد و در اینجا منظور از آموزه‌ها و قوانین اسلامی، برداشت‌های داعش از این آموزه‌هاست که تقریباً مانند برداشت‌های فرقه وهابیت است.

قامت جدیدی به خود گرفت. هدف غایی داعش‌سوم برای پی حکومتی بر مبنای بنیادهای فکری سلفی تکفیری است. داعش‌سوم در واقع آن وجه از سلفیت است که مشی، منش و ماهیتی انقلابی دارد و از این رو برای نسل‌های جدید، آرمان‌گراها و تحقیرشدگان از جذابیت بالایی برخوردار است. در این تفکر، اجتهاد ماهیتی فردی یافته و مرجعیت صاحبان نظر و اندیشه تا حد زیادی از بین رفته است. از این رو، شمار افراد صاحب فتوا به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و در بسیاری از موارد تشخیص، تفسیر و تصمیم فردی جای آن را گرفته است. در این تفکر، جایگاه دشمن قریب و بعید تغییر یافت و دشمن قریب یعنی مسلمانان منحرف از نظر تفکر داعشی در اولویت برخورد و مبارزه قرار گرفتند. با این حال، دشمنان بعید نیز جای خود را دارند، اما این دشمنان مادامی که مخمل اجرای برنامه‌های داعش نشوند، در اولویت مبارزه و مقابله قرار نخواهند گرفت و فرایند اصلاح از مرکز به پیرامون پیش خواهد رفت، بدین صورت که در ابتدا جامعه اسلامی با اولویت مناطق با اکثریت سنی و سپس کشورهای دیگر باید اصلاح شوند. چنین تفکری که در آن ترکیبی از انقلابی‌گری، سهولت فتوا و جزم‌اندیشی فرقه‌ای وجود دارد، زمینه مناسبی را برای سرخوردگان اجتماعی، ناکامان سیاسی و گمراهان دینی فراهم کرده تا گرد هم آیند و در تحقق رویای مشترک خود بکوشند. از این رو، حتی در خارج از قلمرو عراق و سوریه افراد صرفاً با اشتراکات فکری، پیوندهای عملیاتی با این گروه برقرار کرده و حتی در برخی موارد بدون هر گونه پیوندی هم‌سو با اهداف داعش دست به اقدامات تروریستی می‌زنند. با افزایش جذابیت و اقبال تندروها به افکار و اعمال داعش، اینک حتی به فرض از بین بردن این گروه در عراق و سوریه، داعش توانایی تصرف مناطق دیگر را در منطقه و اعمال تروریستی در سایر مناطق جهان دارد. این در حالی است که حتی نشانه‌هایی از اقبال و میل به مصالحه با داعش در گروه‌های سنتی سلفی مانند القاعده نیز وجود دارد. برای مثال، اخیراً پیام ویدئویی از ایمن الظواهری رهبر القاعده منتشر شده که وی اعلام می‌کند: «آمریکایی‌ها، روس‌ها، ایرانی‌ها، علوی‌ها و حزب الله [لبنان] جنگ خود را علیه ما هماهنگ می‌کنند. آیا ما قادر نیستیم دشمنی داخلی خود را کنار گذاشته و علیه آنها فعال شویم؟ برادران مجاهد من در همه جا و از همه گروه‌ها... ما با تجاوز آمریکا، اروپا و روسیه مواجه هستیم... این دیگر وظیفه ماست که با هم از شرق ترکستان تا مراکش همچون تن واحد بایستیم».

### استراتژی‌ها و تاکتیک‌های هوشمندانه

داعش از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های هوشمندانه‌ای برخوردار است که می‌توان یکی از رموز موفقیت آن را در همین موضوع دانست. برای مثال این گروه به اقتضای شرایط از استراتژی خشونت و عطف استفاده می‌کند؛ از دستگاه تبلیغاتی گسترده‌ای برخوردار است و در نمایش تصویر خود و بازنمایی تصویر دشمنان با توجه به مخاطبان مورد نظرش موفق عمل می‌کند. داعش در عین کثرت کنش‌گران و پراکندگی عملیاتی دارای وحدت ساختاری، فکری و تصمیم‌گیری است که در آن شیعیان، دولت‌های عرب و دولت‌های غربی و به تعبیر داعش صفوی‌ها، مرته‌ها و صلیبیون اهداف مبارزاتی هستند. به باور ابورمان، کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه اردن، داعش دارای سازمان پیچیده و هماهنگ است که از تاکتیک‌ها و استراتژی‌های متعددی استفاده می‌کند. وی معتقد است عملیات داعش در سه سطح قابل بررسی است. نخست؛ شعبه اصلی که در عراق و سوریه علیه ارتش‌ها می‌جنگد. دوم؛ شعبات منطقه‌ای و خارجی که گروه‌های تقریباً مستقلی هستند که با داعش بیعت و اعلام وفاداری کرده و از فرماندهی داعش فرمان‌پذیری دارند. از جمله این گروه‌ها شعبه نجد داعش است که اعلام شده در انفجار مسجد شیعیان کویت دست داشت یا عامل کشتار در سواحل تونس که اعلام شد عامل آن عضو شعبه تونس داعش بود. همچنین، شعبه سینا که هوپیمای روسی را سرنگون کرد. نوع سوم، افراد بدون واسطه سازمانی هستند که وابستگی عقیدتی دارند و به «گرگ‌های تنها» مشهورند. آنها به تنهایی در

تا آنها مجدداً به این نتیجه برسند که نه تنها به مواضع داعش حمله نکنند، بلکه جلو مهاجرت تکفیری‌ها به سوریه و عراق را نیز نگیرند.

### چابکی و انعطاف سازمانی

داعش گروهی تروریستی و چریکی است که با ارتش‌های کلاسیک می‌جنگد. اعضای داعش به ویژه کارشناسان جنگی آن خبرگانی هستند که معمولاً پیش از این در افغانستان، چین، سومالی و حتی مناطقی مانند بوسنی و هرزگوین جنگیده‌اند. استفاده از سلاح‌های سبک و اشراف بر جغرافیای عراق و سوریه نیز عاملی مهم در موفقیت آنهاست. آنها دائماً تغییر موضع داده و از جبهه‌ای به جبهه‌ای دیگر می‌روند. اعضای داعش در صورت قرار گرفتن در محاصره برای شکستن فضای موجود و یا انتقام از دشمنان به راحتی می‌توانند در قالب، مهاجر، آواره، توریست و شهروند عادی از راه‌های کاملاً قانونی وارد کشور مبدأ شده و با انجام اقدامات تروریستی مبادرت ورزند. این در حالی است که آنها مبادی غیر قانونی را نیز به خوبی می‌شناسند. برای مثال، یکی از عاملان حملات پاریس مهاجری سوری بود که به عنوان آواره جنگ وارد فرانسه شده بود. اعضای داعش برای تصمیم‌گیری درباره یک عملیات، بسیار کمتر از دشمنان خود به ویژه دولت‌ها با قواعد و سلسله‌مراتب سازمانی محدود کننده مواجهند و در بسیاری از موارد، حتی احتمال هماهنگی و برنامه‌ریزی کامل با سازمان مرکزی داعش نیز محدود است و شعبات منطقه‌ای به صورت خودسامان وارد عمل می‌شوند. در واقع، امروزه نسبت به گذشته نوع خطر و منبع ناامنی تغییر کرده است. بنابراین داعش خطری نیست که کشورها برای آن آماده بودند. از همین رو، توان مواجهه با آن را ندارند.

### استفاده از زیرساخت‌های موجود

داعش در خاورمیانه مواد لازم برای تحرک عملیاتی را با کمترین هزینه و سرمایه‌گذاری به دست آورده است. اشتباهات دولت‌مردان، اختلاف‌های فرقه‌ای و قومی و دخالت‌های خارجی بستر مناسبی برای عضوگیری داعش و اقبال شهروندان به سوی داعش است. داعش آخرین نیرو و بازیگر سیاسی است که بسیاری از شهروندان سنی خاورمیانه برای رهایی از چرخه باطل استبداد، سرکوب و توسعه‌نیافتگی به آن روی کرده‌اند. تجربیات بعثی‌ها و نارضایتی‌های اعراب، سنی‌ها و سلفی‌ها در منطقه، زمانی با هم در آمیخته شوند، می‌توانند شهرهای بزرگی مانند موصل و نینوا را در اختیار داعش قرار دهند. همچنین،

یک کشور با داعش در ارتباطند و این شیوه مربوط به کشورهایی است که داعش در آنها بازوی اجرایی و عملیاتی یا شعبه ندارد. این افراد که فاقد سابقه و شناسنامه امنیتی هستند، مبادرت به انجام فعالیت تروریستی می‌کنند. از همین رو، مبارزه با چنین راهبردی دشوار است. در توسعه این الگوی عملیاتی که «جهاد فردی» نام دارد، رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های اینترنتی نقش کلیدی دارند. این شیوه خطرناک‌تر از مدل سرزمین پایه راهبرد داعش است که گروه‌های جمعی در سرزمینی مشخص اقدام می‌کنند و از همین رو، این شیوه امنیت را در عرصه جهانی بر هم می‌زنند. گرگ‌های تنها از این قابلیت نیز برخوردارند که در صورت سازمان‌دهی و اعلام سازمان مرکزی با یکدیگر تشریک مساعی کنند؛ امری که نتیجه آن را می‌توان در حوادث پاریس در آبان‌ماه مشاهده کرد. از دیگر تغییرات مؤثر در راهبردهای داعش را می‌توان پس از سخت‌گیری کشورهای همسایه سوریه و برخی کشورهای غربی و ممانعت از مهاجرت هواداران داعش به سوریه مشاهده کرد. داعش پس از مواجهه با چنین وضعیتی، ضمن افزایش تبلیغات رسانه‌ای برای جذب نیرو و شهروند، حوزه عملیاتی خود را تغییر داد و داوطلبان کمک به داعش را در همان مکانی که وجود داشتند، به کار گرفت. به بیان دیگر، باور عمومی بر این بود که بستن مرزها به تضعیف داعش و بحران نیروی انسانی در این گروه منجر خواهد شد حال آنکه بستن مرزها نه تنها داعش را ضعیف نکرد، بلکه این گروه را بر آن داشت تا در تغییر تاکتیکی غرب را مورد حمله قرار دهد، بدین صورت که عناصر محصور خود را علیه روس‌ها و غربی‌ها به کار گرفت



اختلاف میان سران حکومتی، گروه‌های قومی و مذهبی و جناح‌های سیاسی که منجر به ضعف دولت مرکزی و دشواری اتخاذ موضعی واحد می‌شود، مواجهه با داعش را دشوار می‌کند؛ امری که داعش به خوبی در عراق، سوریه، لیبی و به میزان کمتر در مصر از آن سود می‌برد. در غرب نیز داعش از برخی امکانات و خدماتی استفاده می‌کند که زیرساخت‌هایی اولیه برای زندگی عادی در این کشورها به شمار می‌روند. آزادی‌های قانونی مانند حمل اسلحه، برخی مواد اولیه ساخت بمب که در صنایع شیمیایی کاربرد دارند و آزادی عبور و مرور در محدوده شکن و استفاده از فناوری‌هایی مانند اینترنت، امکاناتی عادی است که کنترل آنها از بیم استفاده نامشروع، بسیار دشوار، اما استفاده از آنها در جهت اهداف نامشروع سهل است.

### منابع انرژی و استقلال مالی

اگرچه کارشناسان بر این باورند که کمک‌های دولت‌های خارجی و نهادهای مذهبی کشورهای عربی نقش مؤثری در تأمین مالی داعش دارند، اما این گروه پس از تصرف بخش‌هایی از عراق و سوریه و در اختیار گرفتن میادین انرژی این کشورها به میزانی از استقلال مالی دست یافته که اگر کمک‌های خارجی نیز قطع شوند می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. کارشناسان درآمد روزانه داعش از فروش نفت در سال ۲۰۱۴ را سه میلیون دلار برآورد کرده‌اند. داعش ۲۴ میدان نفتی سوریه، یعنی همه میدان‌های موجود در شرق این کشور را تحت کنترل دارد. علاوه بر این، داعش مدتی دو میدان نفتی واقع در شمال کرکوک را در اختیار داشت. داعش طی شش ماه کنترل این میدان‌ها، درآمدی بالغ بر ۴۵۰ میلیون دلار کسب کرد. این گروه همچنین بر بخشی از مناطق نفت خیز لیبی از جمله سرت تسلط یافته و مبادرت به فروش نفت می‌کند. علاوه بر استقلال مالی، انرژی بسیاری از مناطق را به داعش وابسته کرده است. منابع غربی معتقدند مناطق بزرگی از سوریه و غرب عراق به سیاست‌های نفتی داعش وابسته شده‌اند؛ حتی شورشیان سوری هم گازوئیل و نفت مورد نیاز خود را از طریق داعش تهیه می‌کنند.

### بحران هویت و ماجراجویی نومسلمانان

نیروی محرکه بسیاری از عملیات و اقدامات داعش را مسلمانان غربی تشکیل می‌دهند. این افراد یا نسل دوم و در برخی موارد نسل سوم مهاجران مسلمان در غربند که نتوانسته‌اند در جامعه غربی به آمال‌های خود دست یابند و یا نومسلمانانی هستند که در سایه اعتقادات دینی

و شور جهادی خود با هدف کمک به اعتلای اسلام به سرزمین‌های تحت تصرف داعش شتافته یا داعش را در انجام عملیات تروریستی یاری می‌دهند. سیاست‌های غلط کشورهای غربی، اسلام‌هراسی، اسلام‌ستیزی و برخورد‌های توهین‌آمیز و تحقیرآمیز با شهروندان مسلمان غربی، سبب شکاف میان جامعه مسلمان باورمند اروپا و جامعه مادر و میزبان شده، به گونه‌ای که آنها به مثابه افرادی سرگردان، در نهایت ناگزیرند از میان هویت دینی (اسلامی) و ملی (فرانسوی) خود یکی را انتخاب کنند. مسلمانان اروپایی معتقدند غربی‌ها کشورهای آنها را اشغال کرده و با استعمار سرزمین‌هایشان موجبات ننگون‌بختی آنها را فراهم کرده‌اند و حال پس از بی‌نیازی به این شهروندان، برخورد‌های تبعیض‌آمیزی با آنها صورت می‌گیرد. برای مثال، بیشتر عناصر وابسته به داعش در فرانسه رانسل دوم مهاجران الجزایری و فلسطینی تشکیل می‌دهند، کسانی که پدران آنها برای فرار از مشقت‌های زندگی در کشورهایی بحران‌زده عازم فرانسه شدند و در ابتدا با آغوش باز از آنها استقبال شد، اما در ادامه فرزندان آنها که شهروندان فرانسه بودند، نتوانستند در جامعه حل شوند. این جوانان دولت فرانسه را به اسلام‌ستیزی و پشتیبانی از راست‌گرایان افراط‌گرا متهم کرده و از این رو، مستحق مجازات می‌دانند. در کنار شمار قابل توجه هواداران داعش از نسل دوم مهاجران، نومسلمانانی را نیز می‌توان یافت که تحت تأثیر بحران هویت و ماجراجویی به اسلام گرویده، اما مورد اغفال و سوء استفاده داعش و سلفی‌ها قرار گرفته‌اند و به دلیل عدم شناخت عمیق از آموزه‌های اسلام، عواملی کارآمد در جهت تحقق اهداف داعش هستند.



## معادلات قدرت در منطقه

اگرچه از بین بردن خلافت خودخوانده داعش در عراق و سوریه، داعش را از بین نخواهد برد، اما برای از بین بردن این گروه، سرنگونی این خلافت شرطی مهم و لازم است. در برهه کنونی، سوریه به محلی برای هم‌آوردی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده، به گونه‌ای که می‌توان گفت آینده نظم حاکم و الگوی جدید قدرت در منطقه از ره‌گذر بحران سوریه قابل ترسیم است. از همین رو اعراب، ترکیه و غرب بر سرنگونی بشار اسد یا حداقل کناررفتن وی از قدرت تأکید دارند. از سوی دیگر، ایران و روسیه و هم‌پیمانان آنها این موضوع را رد کرده و معتقدند آینده سوریه از جمله سرنوشت سیاسی اسد را باید مردم این کشور تعیین کنند. اکنون داعش مهم‌ترین و قدرتمندترین گروه مخالف و معارض دولت سوریه است، اما این گروه به مناطق حیاتی سوریه دسترسی نداشته و هیچ یک از بازیگران دخیل در بحران سوریه حاضر به حمایت و پذیرش آن نیست. در مقابل، گروه‌های کوچک‌تری که از سلفی تا سکولار را شامل می‌شوند، بر مناطق بعضاً حساسی از این کشور سیطره یافته‌اند و از سوی کشورهای عربی و غربی مورد حمایت قرار می‌گیرند. در حال حاضر، سرنگونی داعش توسط غرب و حمله جدی به مواضع این کشور سبب شده است ارتش سوریه، گروه‌های مقاومت محلی و شبه‌نظامیان وابسته به دولت این مناطق را کنترل کنند. این بدان معناست که اسد دوباره بر کل سوریه مسلط خواهد شد، امری که به منزله شکست غرب، ترکیه و اعراب است. در طرف مقابل، اگر روسیه داعش را مورد حمله قرار دهد و این گروه را به عقب‌نشینی وا دارد، گروه‌های

معتدل‌تر طرفدار غرب که از سوی آمریکا نیز تجهیز می‌شوند، بر مناطقی که داعش از آنها عقب‌نشینی کرده مسلط می‌شوند. این در حالی است که روس‌ها معتقدند هیچ اپوزیسیون غیر تروریستی در سوریه وجود ندارد که جایگزین دولت فعلی شود و در صورت تحقق اهداف غرب، روس‌ها باید برای همیشه سوریه را ترک کنند. نکته دیگر اینکه روس‌ها از سوریه به مثابه برگی برنده برای یک بازی دیگر استفاده می‌کنند و آن نیز بحران اوکراین است. در این بازی، آنها باید طوری دولت سوریه را تقویت کنند که از نظر حقوق بین‌الملل نیز برای آن کار محمل قانونی وجود داشته باشد. روس‌ها اگرچه مناطقی از سوریه را بمباران می‌کنند، اما هدفشان الزاماً داعش نیست، بلکه تقویت دولت سوریه در برابر گروه‌هایی است که غرب آنها را مخالفان معتدل می‌خواند، مخالفانی که هم به هارتلند علوی‌ها نزدیک‌ترند و هم با حمایت غرب، اشتیاق بیشتری برای سرنگونی اسد دارند. از این منظر، سرنگونی سریع داعش منجر به قدرت گرفتن هواداران غرب و اعراب در سوریه می‌شود؛ امری که منافع روسیه را تأمین نمی‌کند و حتی ممکن است منجر به اقدامات تلافی‌جویانه داعش شود. در نهایت اینکه وجود داعش و به دنبال آن بی‌ثباتی در خاورمیانه و غرب، اذهان غربی‌ها را از توجه به مسئله اوکراین باز می‌دارد.

سرنگونی داعش و حمله به عمق مواضع داعش برای دولت سوریه نیز فاقد فوریت و اهمیت است. دولت سوریه از خشونت داعش به عنوان گروهی سلفی و تروریستی برای بدنام کردن همه مخالفان و در نتیجه عاملی برای متقاعد کردن غرب مبنی بر اینکه در شرایط فعلی و در نهایت بهتر است غرب به جای حمایت گروه‌های تروریستی غیر قابل‌کنترلی که منطقه و جهان را دستخوش ناامنی می‌کنند، دولت سکولار و قابل‌کنترل فعلی را انتخاب کنند.

غربی‌ها نیز همان ملاحظات روس‌ها را دارند. آنها در درجه نخست از تهدیدات داعش واهمه دارند و حمله جدی به داعش با هدف سرنگونی این گروه را به مثابه چوب‌کردن در لانه زنبورهایی می‌دانند که قدرت پرواز تا اروپا را نیز دارند. از سوی دیگر، با توجه به تقویت ارتش سوریه، حضور نظامی و مستشاری حزب الله و ایران در سوریه و موقعیت ضعیف گروه‌های هم‌سو با غرب در عرصه میدانی، غربی‌ها بیم آن دارند که پس از سرنگونی داعش پیروز نهایی، جناح رقیب یعنی روس‌ها، ایران و دولت سوریه باشند. از این رو، معتقدند داعش باید در فرایندی تدریجی و هم‌زمان با قدرت گرفتن اپوزیسیون هوادار غرب تضعیف شود. در این صورت، بخشی از توان نظامی ایران

و حزب الله نیز بر اثر اصطکاک با داعش از بین رفته و به صورت هم‌زمان داعش، سوریه، ایران و حزب الله تضعیف می‌شوند. این در حالی است که برخی معتقدند داعش باید در خاورمیانه وجود داشته باشد تا افراط‌گرایان تکفیری از غرب عازم این منطقه شده و در اینجا از بین بروند، هرچند تحرکات داعش نشان داده این گزاره بر بنیادی سست استوار است.

علاوه بر سوریه، در عراق نیز اخراج داعش از استان‌های الانبار و نینوا سبب تقویت مواضع دولت مرکزی شده که هم مطلوب کردها نبوده و هم از سوی عربستان و متحدانش قابل پذیرش نیست. عربستان تقویت دولت مرکزی که شیعیان بر آن تسلط دارند را به منزله تقویت ایران دانسته و آن را شکستی برای خود تفسیر می‌کند. کردها نیز اگرچه خود از سوی داعش در معرض تهدید و آسینند، اما ورود داعش فرصت‌های بی‌همتا و دستاورهای بی‌نظیری را در اختیار آنها قرار داده است. ورود داعش به تضعیف موضع اعراب در برابر کردها منجر شده و از سوی دیگر، بهانه قابل دفاعی را برای تجهیز ارتش اقلیم به سلاح‌های پیشرفته را فراهم کرد. ضمن آنکه تسلط کردها بر شهر راهبردی کرکوک بدون متغییر داعش میسر نبود. در وضعیت کنونی نیز به شرط فقدان تهدید بنیادی اقلیم کردستان از سوی داعش، استمرار موجودیت آن برای کردها مفید خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

تحرکات داعش در ماه گذشته که انتظار می‌رفت بر اثر حملات روس‌ها و غربی‌ها ضعیف شده باشد، تعجب و خشم جهانیان را برانگیخت. برای بسیاری این پرسش مطرح است که چرا داعش روز به روز بر استحکام و دامنه قلمرو خود می‌افزاید؟ همانطور که در متن این نوشتار آمد، داعش در وهله نخست نمودی از یک بینش و باور است و با بمباران شهرها و تأسیسات نظامی و انبارهای تسلیحات از بین نخواهد رفت، بلکه ممکن است در اقدامی انعکاسی همانند فرانسه، نیروی مهاجم را مورد حمله قرار دهد. حملات داعش به فرانسه نشان داد رواداری تبعیض علیه مسلمانان، اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در کشورهای غربی از یک سو و سیاست‌های دوگانه این کشورها در منطقه خاورمیانه که همگی به مثابه عواملی مؤثر در تقویت «داعشیسم» عمل کرده، بیش از همه غرب را در معرض خطر قرار می‌دهد. واقعیت آن است که داعش هیولایی چندسر است که برای از بین بردن آن در ابتدا باید ریشه‌های تغذیه و رشد و نمو

آن را در جهان خشکاند و پس از آن، در ائتلافی واقعی و جهانی آن را از بین برد. با این حال، به عنوان واقعیت باید مخاطرات از بین بردن این گروه و تفکر را نیز پذیرفت. داعش نشان داده چنانچه در عراق و سوریه مورد حمله و محاصره قرار گیرد، از توانایی خود در خارج از این مناطق استفاده کرده و دامنه جنگ را به سایر سرزمین‌ها و آسمان‌ها گسترش می‌دهد و این بدان معناست که داعش خطری جهانی است. از این رو، شرکت مؤثر و هماهنگ همه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران در ائتلاف جهانی علیه داعش ضروری است. واقعیت آن است که اگرچه کارآمدی نهادهای امنیتی کشور تا کنون مانعی مؤثر در مقابل اقدامات احتمالی و واقعی داعش بوده، اما میزان آسیب‌پذیری ایران نیز از فرانسه و روسیه کمتر نیست. چنانچه برخی از پیش‌فرض‌های حمله داعش به روسیه و فرانسه را مد نظر قرار دهیم، امکان حمله داعش به ایران نیز دور از انتظار نیست. در این زمینه، امکان نفوذ عناصر وابسته به این گروه تنها منحصر به مرزهای غربی نیست، بلکه مرزهای شرقی و جنوب شرقی کشور نیز می‌تواند به مثابه کریدوری برای ورود عناصر داعش به کشور عمل کنند، مرزهایی که سیل مهاجران غیر قانونی افغان و گسترده‌گی پدیده قاچاق انسان، آسیب‌پذیری آنها را نشان می‌دهد.